



نقش‌یابی مقاصد شریعت در اصول فقه اجتماعی

پدیدآورنده (ها) : الهی خراسانی، حجت الاسلام والمسلمین علی

علوم اجتماعی :: نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا :: پاییز ۱۳۹۶ - شماره ۲۳

صفحات : از ۲۶۵ تا ۲۶۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1745575>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- کارکرد مقاصد شریعت در توسعه و تعمیق فقه امامیه
- جبر و اختیار از دیدگاه علامه طباطبائی
- سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع)
- خاتمیت و مرجعیت علمی امامان معصوم (علیهم السلام) و دیدگاه های آقای دکتر سروش
- سنخ احکام جدید در عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- نقش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در تشریح احکام فقهی
- باز پژوهی دیدگاه امام علی علیه السلام درباره عقل زنان با تاکید بر خطبه ۸۰ نهج البلاغه
- نگاهی به تبلیغ عملی در سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع)
- فلسفه غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ام البنین علیها السلام نماد ایثار و از خودگذشتگی
- ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر دیگران
- روش های آموزشی امامان معصوم علیهم السلام

عناوین مشابه

- مقاصد انسانی شریعت در فقه امامیه
- بررسی تطبیقی حکم فرزندآوری در فقه عامه و امامیه با رویکردی بر مقاصد شریعت
- ضوابط فقهی حل و فصل عشائری در فقه اجتماعی آیت الله سیدمحمدسعید حکیم و تطبیق آن با اصول عدالت ترمیمی
- نگاهی به آثار نظریات غیرشمول گرایانه نسبت به گستره احکام شریعت در دو حوزه فقه و اصول
- خطرات تهدید کننده اولین ضرورت از ضروریات پنجگانه مقاصد شریعت، حفظ دین؛ با تاکید بر شناخت غلو و راهکارهای درمان آن در سطوح مختلف اجتماعی
- رعایت مقاصد شریعت در فقه حنفی
- کارکرد مقاصد شریعت در توسعه و تعمیق فقه امامیه
- ماهیت مقاصد شریعت و نقش آن در استنباط حکم شرعی از دیدگاه فریقین
- مفهوم شناسی قاعده «الامتناع بالاختیار» در فقه و اصول
- شاخصه های نص گرایی در عرصه فقه اجتماعی؛ خصوصیات مکتب «نص گرایی» در فقه اجتماعی



نقش‌یابی مقاصد شریعت در اصول فقه اجتماعی

حجت الاسلام والمسلمین علی الهی خراسانی*

پیشینه تاریخی مقاصد شریعت

نخستین بار بحث مقاصد شریعت را امام الحرمین جوینی (م ۴۷۴ق) در کتاب البرهان فی اصول الفقه مطرح کرد. وی احکام فقه اسلامی را به پنج دسته تقسیم کرد: ضروریات، حاجیات، تحسینات، کمالات و تعبدیات.^۱ پس از جوینی، غزالی (م ۵۰۵ق) در کتاب المستصفی فی علم الاصول و سیف‌الدین آمدی (م ۶۳۱ق) در الإحکام فی اصول الأحکام به این مسئله پرداخته‌اند.^۲ اما این تیمیمه (م ۷۲۸ق) توسعه‌ای چشمگیر در بحث مقاصد ایجاد کرده است. او بیان می‌دارد که چرا باید مقاصد فقه را در امور دنیوی خلاصه کرد و مقاصدی چون محبت به خدا، خشیت از او و اخلاص در دین را نادیده انگاشت.^۳

پس از سه قرن تلاش علمی، شاطبی (م ۷۹۰ق) نخستین بار به طرح تفصیلی مقاصد در کتاب الموافقات فی اصول الشریعه پرداخت که از این رو به حق می‌توان او را پدر دانش مقاصد شریعت دانست. وی یک جلد از آن کتاب را با عنوان «کتاب المقاصد» به این موضوع اختصاص داد.^۴ شاطبی به دو مسئله جدید در حوزه مقاصد اشاره کرد: دسته‌بندی مقاصد و راه‌های دستیابی به آنها.

پس از این دوره، ابن عاشور (م ۱۲۹۶ق) با تألیف کتاب مقاصد الشریعه الاسلامیه گام‌های مؤثری در توسعه و تعمیق علم مقاصد برداشت.

در دوره معاصر نیز اندیشمندان و پژوهشگران اهل سنت به تفسیر مکتب شاطبی و ابن عاشور پرداخته و آثار گوناگونی در این باره تألیف کرده‌اند.^۵

برخی پژوهشگران، رونق گرفتن بحث مقاصد در شیعه را از اواخر قرن سوم و با کتاب العلل دانسته‌اند.^۶ فهرست نام کتاب‌ها و نویسندگانی آن در الذریعه آمده است.^۷

البته روشن است که هدف از بیان علل احکام، آشنایی با فلسفه جعل احکام یا غایات احکام است؛ اما رویکرد نوآمد بحث مقاصد شریعت، استفاده از آن در فرایند استنباط احکام شرعی است و بیان علل، متکفل چنین غرضی نیست.

همچنین در مدخل برخی کتب فقهی، ضمن تقسیمات ابواب فقهی، به مقاصد و اهداف فقه نیز اشاراتی شده است.^۸

درباره آثار دیگری که به اهداف فقه و مقاصد شریعت به صورت عام و فراگیر پرداخته باشد، گزارشی نیامده است؛ اما مباحثی جزئی‌تر با عنوان «تنقیح مناط» یا ملاک حکم، در کتاب‌های اصولی و فقهی به چشم می‌خورد.



پیگیری اینها به عنوان بحث مقاصد، از آن روست که اگر فقهی معتقد باشد که مناط حکم، کشف شدنی است و می توان آن را منقح ساخت، باید ملتزم شود که در سطحی فراگیر و کلی تر می توان مقاصد احکام و علل آنها را استنباط و استخراج کرد.^۹

تعریف مقاصد شریعت به مثابه دانش

علم مقاصد شریعت، علمی است که در پیوند با تشریح قرار دارد و از اهداف کلی یا اهدافی مورد توجه آن در عموم یا انواع بسیاری از این احکام، سخن می گوید.^{۱۰}

در تعریفی دیگر، مقاصد شریعت یا اهداف فقه، غایب یا بخشی از دین است و در واقع یکی از پرسش های پیش روی فقه و شریعت را تحلیل و بررسی می کند و جایگاهش فلسفه فقه است که پس از مسئله مقاصد و اهداف دین جای می گیرد.^{۱۱}

برخی از محققان نیز مقاصد شریعت را در سلسله علل احکام و به دست پروردگار دانسته اند: «از آنجاکه خداوند، حکیم و غنی است، در تشریح هریک از احکام و مقررات دین هدفی داشته است. لذا شریعت اسلام، یک شریعت هدفمند است که این هدف با اهداف تکوینی برای اصل خلقت سازگاری دارد. منظور از مقاصد شریعت، همین اهداف است. مثلاً تحقق عدالت یا خارج کردن مؤمنان از ظلمات به سوی نور، از جمله مقاصد شریعت است».^{۱۲}

نقش یابی مقاصد شریعت در اصول فقه اجتماعی

پرسش اساسی پیش روی مقاصد شریعت، آن است که مقاصد در اصول فقه اجتماعی و فرایند استنباط قانون اجتماعی اسلامی، چه نقشی دارد؟ پاسخ این پرسش براساس دیدگاه اندیشمندان شیعه، در موارد ذیل می آید که ساحت های دانشی علم اصول است.

۱. حکومت بر احکام اجتماعی شریعت

مقاصد شریعت می تواند بسان قاعده لاضرر، بر احکام شرعی اجتماعی، حکومت داشته باشد؛ حال چه

حکومت تضییعی و چه حکومت توسعه ای.^{۱۳} در فرایند حکومت، همواره دلیل حاکم، ادله شرعی محکوم را با مفاد خود هماهنگ می کند. به بیان دیگر احکام شرعی باید با مفاد دلیل حاکم، سازگاری داشته باشند.

مقاصد شریعت می تواند گاه دلیلی را که در ظاهر محدود است، توسعه بخشد؛ چنان که گاهی از عموم یا اطلاق دلیلی - که در نگاه اول عام یا مطلق است - جلوگیری می کند^{۱۴} و بدین گونه مقاصد، سبب تضییق ادله می شود. کشف مقاصد شریعت می تواند در روند استنباط احکام شرعی، یاری رسان باشد؛ زیرا گاه به حکمی برمی خوریم که با اهداف و مقاصد عمومی اسلام، مثلاً ضرورت حفظ جان، مال و نسب، همسو و هماهنگ نیست و این ما را بر آن می دارد که در روند استنباط حکم، تجدیدنظر کنیم.^{۱۵}

شمس الدین که باید به حق، او را فقیه شیعی مقاصدنگر دانست، در رویکرد اجتماعی به فقه، به نقش یابی مقاصد در اصول فقه با نگره حکومت می پردازد. وی بر آن است که در فقه تنها به مسائل مورد ابتلای فرد پرداخته می شود و مسائل و موضوعات مرتبط با حیات امت و استنباط احکام آن، مورد اعتنا نیست. درحقیقت توجه به مسائل فردی، مجال ملاحظه نیازهای امت و جامعه را نمی دهد. فقها براساس نوع نگاهشان به مسئله عسر و حرج، آن را در ردیف دیگر عمومات و اطلاعات قرار داده و آن را تخصیص پذیر و تقییدپذیر دانسته اند؛ درحالی که این اصل، بخشی از ادله کلی و عام است که نگاه فقهی اجتهادی را به مبنای مقاصد توجه می دهد. مقاصد نیز تقییدناپذیر و تخصیص ناپذیرند و مطلق و عام، و «حاکم» بر همه اطلاعات و عمومات؛ ولی فقها براساس نگرش فردی، ادله عسر و حرج را مقید و تخصیص یافته به ادله تکلیفی - که آنها را ضروری و حرجی شمرده اند - دانسته اند؛ مانند وجوب جهاد و احکام مجازات. آنان از این نکته غافل بوده اند که این تکالیف، تکالیف افراد نیست تا گفته شود که برای افراد حرج آور و زیان بار است، بلکه تکالیف امت و جوامع است. از این رو این تکالیف، مصالح امت، جوامع و افراد را محقق می کنند و در آنها عسر و حرج و ضرری برای

امت نیست.^{۱۶}

همچنین مغنیه که از فقیهان معتقد به مقاصد شریعت است، «مصلحت تسهیل» را از بزرگ‌ترین مقاصدی می‌داند که شارع بدان توجه داشته است. او در فقاهت خود، تسهیل را بسان دلیل حاکم در نظر می‌گیرد و به‌عنوان مثال، طهارت اهل کتاب را در پرتو مقصد آسان‌گیری بر مکلفان، نتیجه می‌گیرد.^{۱۷}

مصلحت تسهیل می‌تواند تأثیر چشمگیری در فقه اجتماعی داشته باشد؛ به‌ویژه در احکام روابط اجتماعی.

مطالعه و بررسی مقاصد شریعت، می‌تواند ما را در شناخت حکم مسائل نوپدید یاری دهد؛ به‌ویژه در موضوعات اجتماعی که محصول تحولات نوپدید در عرصه جامعه است. در موضوعات و مسائل نوپدید اجتماعی در زندگی انسان معاصر، همچون حاشیه شهر، رسانه‌های نوین، ارتباطات انسانی و... مقاصد شریعت می‌تواند بهترین عنصر مشترک برای بررسی چنین موضوعات نوپدید و حل فقهی چالش‌های نوین زندگی اجتماعی معاصر باشد.

۲. عنصر مشترک در استنباط حکم مسائل

نوپدید در فقه اجتماعی

است که مبین احکام شریعت است، لکن توجه دقیق و دائمی فقیه به مقاصد در استنباط احکام از ادله ضروری است. چون این توجه باعث می‌شود در بسیاری از موارد، برداشت فقیه از ادله، غیر از برداشتی باشد که بدون این توجه صورت می‌گیرد.^{۱۹}

به‌بیان‌دیگر مخاطبان نصوص شرعی، در تعیین مفاد آن، علاوه بر ملاحظه دلالت واژگان به‌کاررفته در دلیل، قرائن حالیه و مقالیه آن دلیل را نیز در نظر می‌گیرند، که از آن‌جمله «مقاصد و اهداف مورد نظر شارع» است. از این‌رو گاه با بسند به واژگان به‌کاررفته در نص، معنایی ظهور می‌یابد، اما با توجه به مقاصد شریعت، آن ظهور شکسته می‌شود و به‌تعبیر دیگر آن ظهور به وجود نمی‌آید و در معنایی دیگر ظهور می‌یابد؛ حتی گاه ظهور اول آن شکسته می‌شود بدون اینکه در معنای دیگری ظهور یابد. برای مثال برخی از فقیهان، عموماً و اطلاعات ادله دال بر صحت معامله را شامل معامله سفیهان نمی‌دانند و با استناد به مقاصد کلان شارع، که مطلوب بودن رشد خرد افراد و تکمیل و استقرار ارزش‌های اخلاقی است، معامله سفیهان را باطل می‌دانند؛ یعنی از طریق توجه به مقاصد، عموم و اطلاق ادله امضا در معاملات را تخصیص می‌زند یا به‌تعبیر دیگر ظهور آن ادله را می‌شکنند.^{۲۰}

مطالعه و بررسی مقاصد شریعت، می‌تواند ما را در شناخت حکم مسائل نوپدید یاری دهد؛^{۱۸} به‌ویژه در موضوعات اجتماعی که محصول تحولات نوپدید در عرصه جامعه است. در موضوعات و مسائل نوپدید اجتماعی در زندگی انسان معاصر، همچون حاشیه شهر، رسانه‌های نوین، ارتباطات انسانی و... هنگامی که به نصوص شرعی مراجعه می‌کنیم، روشن است که عناوینی نمی‌یابیم که دربردارنده این موضوعات باشد؛ ولی با توجه به پیش‌فرض حداکثری بودن فقه و جنبه شمولیت هدایت دین اسلام درباره تمام زوایای زندگی انسان، نمی‌توان چنین موضوعاتی را خالی از موضع و حکم فقهی دانست. از این‌رو مقاصد شریعت می‌تواند بهترین عنصر مشترک برای بررسی چنین موضوعات نوپدید و حل فقهی چالش‌های نوین زندگی اجتماعی معاصر باشد.

۳. استظهار و فهم صحیح نصوص اجتماعی

به‌طور کلی فهم نصوص مبین حکم باید در سایه توجه به مقاصد شریعت صورت گیرد. در این صورت ممکن است فقیه به دلیل توجه به مقاصد شریعت، در ظاهر خطابات و نصوص مبین احکام تصرف کند. به‌بیانی دیگر منابع استنباط، فقط همان نصوص فقهی

۴. توافق روحی روایات اجتماعی با کتاب و سنت

بنابر دیدگاه «وثوق صدوری» به روایت، در حجیت خبر تنها به اعتبار سندی اکتفا نخواهد شد؛ بلکه باید مضمون خبر نیز با کتاب و سنت مقایسه شود و نقد داخلی و متنی صورت گیرد. مضمون خبر باید با کتاب و سنت «سازگاری روحی» داشته باشد؛ بدین معنا که با مبادی مستنبطه و ثابت در شریعت اسلامی - که از نصوص قطعی برآمده است - هماهنگ باشد؛ این هماهنگی می‌تواند در سطح تناسب و انس‌پذیری تحقق یابد.^{۲۱} بنابراین علاوه بر اعتبار سندی در حجیت خبر و اطمینان به صدور آن، هماهنگی و تناسب مضمون خبر با روح و ویژگی‌های عمومی شریعت (مقاصد)، شرطی اساسی به شمار می‌رود.

همچنین بنابر روایات «عرض»، یکی از مرجحات هنگام تعارض ادله، موافقت با کتاب و سنت است.^{۲۲} موافقت با کتاب و سنت، به معنای «توافق روحی» است.^{۲۳} بدین ترتیب توافق روحی با کتاب و سنت، از نقش مقاصد شریعت در حجیت خبر و اطمینان به صدور آن پرده برمی‌دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان از طریق متن، به ارزیابی و نقد سند و ترجیح یک دلیل نیز پرداخت.^{۲۴}

۵. ملاک اهمّ در حل نزاحات اجتماعی

ابتدا باید گفت هیچ فقهی با لزوم تقدیم اهمّ بر مهمّ، مخالفت نکرده است و فقیهان امامیه در قبول آن اتفاق نظر دارند.^{۲۵} در اسلام اعلام شده که احکام، تابع یک سلسله مصالح و مفاسد واقعی است که این مصالح و مفاسد در یک درجه نیستند. به همین دلیل باب مخصوصی در فقه اسلامی به نام باب «تراحم» یا «اهم و مهم» باز شده است. خود اسلام اجازه داده است که در این گونه موارد، علمای امت درجه اهمیت مصلحت‌ها را با توجه به راهنمایی‌های اسلام بسنجند و مصالح مهم‌تر را بر مصالح کم‌اهمیت‌تر ترجیح دهند و خود را از بن‌بست خارج کنند.^{۲۶} بدین ترتیب یکی از راه‌های اساسی تشخیص اهمّ و حل

تراحم در حوزه امتثال، کشف مصالح در پرتو مقاصد شریعت است.^{۲۷}

به‌عنوان مثال اگر «حفظ نظام سیاسی و اجتماعی مسلمانان» را از جمله مقاصد شریعت بدانیم، هرگاه امتثال تکلیفی در تراحم با چنین مقصدی قرار گرفت، ملاک اهمّ، یعنی حفظ نظام را ترجیح می‌دهیم که نمونه‌های متعدد فقهی بر آن گواه است.^{۲۸}

۶. شاخص صدور حکم ولایی در منطقه‌الفراغ اجتماعی

نظریه منطقه‌الفراغ تشریحی بر آن است که جایگاه تشریح الهی در زندگی اجتماعی و حوزه قانون‌گذاری را دولت اسلامی تبیین می‌کند. آنچه این نظریه را از دیدگاه‌های مشابه خود متمایز می‌کند، تبیین و تحدید منطقه‌های معین است که به سبب تطور و تحول و بی‌ثباتی آن، حاکم و دولت اسلامی می‌تواند در آن منطقه براساس اصول، ضوابط و اهداف، قوانینی متناسب با اوضاع و احوال وضع کند.

از سویی دیگر یکی از شاخص‌هایی (المؤشرات العامه) که حاکم اسلامی/ ولی‌امر، بر اساس آن در بخش تکامل‌پذیر و منعطف شریعت، اقدام به قانون‌گذاری و ساختارسازی می‌کند، اهداف منصوص شریعت است.^{۲۹} از دیگر شاخص‌های مهم، ارزش‌های اجتماعی مورد تأکید و اهتمام شریعت مانند مساوات، برادری و عدالت است که حاکم اسلامی این ارزش‌ها را در منطقه‌الفراغ محقق می‌کند.^{۳۰} این ارزش‌های اجتماعی منصوص در کتاب و سنت، تعبیری سازگار با مفهوم مقاصد شریعت است.

این نکته نیز قابل توجه است که سخن از منطقه‌الفراغ تشریحی و چگونگی قانون‌گذاری حاکم/ دولت اسلامی در حوزه اجتماعی، در مباحث اصول فقه رایج شیعه کمتر به چشم می‌خورد. البته برخی اصولیان معاصر در ذیل مباحث اختلاف‌الحديث در بخش تعارض، به شأن ولایی شارع و حکم ولایی در حوزه منطقه‌الفراغ اشاره کرده‌اند.^{۳۱} نکته مهم دیگر این است که نظریه منطقه‌الفراغ

تشریحی در حوزه اجتماعیات، ماهیتی کاملاً اصولی دارد و مرتبط با مباحث حکم‌شناسی است که در سپهر اصول فقه اجتماعی جای دارد. ■

پی‌نوشت

* پژوهشگر فقه اجتماعی

۱. جوینی، أبوالمعالی، رکن‌الدین (الملقب بامام‌الحرمین)، البرهان فی اصول الفقه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۹۱۳-۹۳۷.
 ۲. رک: غزالی، محمد بن محمد، المستصفی فی علم الاصول، قم، دار الذخائر، ۱۳۳۸ق، ج ۱، ص ۲۸۶؛ آمدی، سیف‌الدین ابوالحسن علی بن محمد، الاحکام فی اصول الاحکام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۳۹۴.
 ۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، بیروت، دار القلم، ۱۴۰۷ق، ج ۳۲، ص ۳۳۴.
 ۴. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات فی اصول الشریعه، بیروت، دار الکتب العلمیه، [بی‌تا]ج ۲.
 ۵. رک: حسنی، اسماعیل، نظریه المقاصد عند الامام محمد الطاهر بن عاشور، فیرجینیا، المعهد العالمی للفکر اسلامی، ۱۴۲۶ق؛ ریسونی، احمد، نظریه المقاصد عند الامام الشاطبی، مصر، دار الکلمه، ۱۴۱۸ق؛ میسوری، محمد الطاهر، الشیخ محمد الطاهر بن عاشور و کتابه مقاصد الشریعه الاسلامیه، [بی‌تا]، البصائر، ۱۴۱۸ق؛ حساسنه، احسن، الفقه المقاصدی عند الامام الشاطبی، قاهره، دار الاسلام، ۱۴۲۹ق؛ کیلانی، عبدالرحمن ابراهیم، قواعد المقاصد عند الامام الشاطبی، دمشق، دار الفکر، ۱۴۲۱ق؛ بوحناش، نوره، مقاصد الشریعه عند الشاطبی، بیروت، دار الامان، ۱۴۲۳ق.
 ۶. مهریزی، مهدی، فقه‌پژوهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۶۳.
 ۷. تهرانی، آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۳۱۲.
 ۸. شهید اول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، قم، کتابفروشی مفید، [بی‌تا]ج ۱، ص ۳۰؛ فاضل مقداد، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله، التفتیح الراجع لمختصر الشرائع، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴.
 ۹. مهریزی، مهدی، فقه‌پژوهی، ج ۲، ص ۶۵.
 ۱۰. تسخیری، محمدعلی، «فقه مقاصدی و حجیت آن (با نگاهی به شیوه شهید صدر)»، اندیشه تقرب، تهران، مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی، ش ۱۸، ۱۳۸۸، ص ۱۱.
 ۱۱. مهریزی، مهدی، فقه‌پژوهی، ج ۲، ص ۵۸.
 ۱۲. علیدوست، ابوالقاسم، «فقه و مقاصد شریعت»، مجله فقه اهل‌بیت، ش ۴۱، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰.
 ۱۳. برای شناسخت حکومت و اقسام آن، رک: سیستانی، سیدعلی،
۱۴. قاعده لاضرر و لاضرار، قم، مکتب آیت‌الله العظمی السید السیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۳۵.
 ۱۴. علیدوست، ابوالقاسم، «فقه و مقاصد شریعت»، مجله فقه اهل‌بیت، ص ۱۵۰.
 ۱۵. تسخیری، محمدعلی، «فقه مقاصدی و حجیت آن (با نگاهی به شیوه شهید صدر)»، فصلنامه اندیشه تقرب، ص ۱۲.
 ۱۶. رفاعی، عبد الجبار، مقاصد الشریعه، دار الفکر، ۱۴۲۲ق، ص ۲۲.
 ۱۷. مغنیه، محمدجواد، فقه الامام الصادق (ع)، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۱.
 ۱۸. تسخیری، محمدعلی، «فقه مقاصدی و حجیت آن (با نگاهی به شیوه شهید صدر)»، فصلنامه اندیشه تقرب، ص ۱۲.
 ۱۹. علیدوست، ابوالقاسم، «فقه و مقاصد شریعت»، مجله فقه اهل‌بیت، ص ۱۵۰.
 ۲۰. همو، فقه و مصلحت، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۳۸۵.
 ۲۱. سیستانی، سیدعلی، قاعده لاضرر و لاضرار، قم، مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی، ۱۴۱۴، ص ۲۱۳.
 ۲۲. بروجردی، محمدتقی، نه‌ایه الافکار (تقریر لأبحاث الشیخ آقا ضیاء الدین عراقی)، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۵۷-۲۵۹.
 ۲۳. سیستانی، همان، ۱۴۱۴، ص ۲۱۵.
 ۲۴. مهریزی، مهدی، فقه‌پژوهی، ج ۲، ص ۵۹.
 ۲۵. علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، ص ۴۴۰.
 ۲۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ج ۵، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۹۳.
 ۲۷. مهریزی، مهدی، فقه‌پژوهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵۰.
 ۲۸. رک: ورعی، سیدجواد، «قاعده اختلال نظام؛ مفاد و قلمرو آن در فقه»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال نوزدهم، ش ۷۱، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳، ص ۲۲.
 ۲۹. صدر، سید محمدباقر، الاسلام یقود الحید، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصیه للإمام الشهید الصدر، ۱۴۲۱، ص ۴۸.
 ۳۰. همان، ص ۴۹.
 ۳۱. هاشمی، سیدهاشم، اختلاف‌الحدیث، تقریرات درس آیت‌الله سیدعلی سیستانی، [بی‌تا]، [بی‌تا]، ۱۳۹۶، ص ۷۴.